

چه کسانی عهده‌دار نفقه فرزندان هستند



دکتر منصور مظفری*
مدیرمسئول
وکیل پایه یک دادگستری

مسئول اصلی نفقه فرزندان پدر است و بار اصلی پرداخت بر پدر و جد پدری است مگر این دو نباشند مادر و مادر پدر این وظیفه را برعهده خواهند گرفت در این خصوص قوانین مدنی پاسخگو هستند ولی میزان نفقه را کارشناس براساس سبک زندگی تعیین خواهد نمود.

بر اساس ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی، پرداخت و تامین نفقه اولاد به عهده پدر است و در صورتی که پدر فوت کرده باشد یا قادر به پرداخت نفقه فرزندان نباشد، پرداخت نفقه به عهده پدر بزرگ خواهد بود و در صورتی که جد پدری هم زنده نباشد یا نتواند نفقه بپردازد، تامین هزینه‌ها به عهده مادر خواهد بود و در صورتی که مادر هم قادر نباشد یا خودش مشکلات معیشتی داشته باشد، به عهده اجداد پدری و اجداد مادر یعنی مادر بزرگ پدری یا مادر بزرگ مادری خواهد بود. بنابراین، نفقه فرزندان به ترتیب ابتدا به عهده پدر، دوم پدر بزرگ پدری، سوم مادر، چهارم مادر بزرگ پدری و هم مادر بزرگ مادری و پدر بزرگ مادری خواهد بود. ملاحظه می‌کنید که قانون، به سادگی بی‌خیال نفقه فرزندان نشده و برای دریافت آن شیوه‌های مختلفی را پیش بینی کرده است در قانون پیش بینی شده است که اگر پدری با داشتن امکانات مالی از پرداخت نفقه فرزندانش خودداری کند این مسئله بار کیفری دارد و فرزندان یا فردی که مسئولیت سرپرستی و نگهداری فرزندان را به عهده دارد می‌تواند علیه او در این رابطه به دادگاه شکایت کند و در ادامه هم اگر پدر دارای اموال باشد، اما از پرداخت نفقه به فرزندان خود امتناع کند آنها میتوانند با ارایه دادخواست به دادگاه و دریافت رای قطعی به میزان نفقه تعیین شده اموال و دارایی پدر را به نفع خود توقیف کنند. این روالی است که در قانون برای رسیدگی به چنین شکایتهایی وجود دارد اما خارج از محدوده کتاب قانون و حرف‌های قانونی نفقه فرزندان چه مسیری را طی میکنند تا به نتیجه برسد؟ یکی از وظایف والدین این است که از فرزندان خود نگهداری کنند و قانونگذار حضانت و نگهداری از فرزند را هم حق و هم تکلیف والدین دانسته است طبیعی است که نگهداری از فرزندان مستلزم خرج کردن و هزینه کردن آنهاست. از طرفی از آنجا که قانون مرد را به عنوان قانون سرپرست خانواده معرفی می‌کند، پدر وظیفه دارد علاوه بر نفقه همسر نفقه فرزندش را پرداخت کند و این حقی است که با طلاق والدین هم ساقط نخواهد شد و تحت شرایطی فرزندان می‌توانند در مقاطع مختلف تقاضای نفقه کنند.

ذکر این نکته هم لازم است که نفقه فرزند یکی از مباحث پیچیده حقوقی است که حتی در بخشی مانند شروط ضمن عقد نیز نمی‌توان درباره آن تصمیم‌گیری کرد اگر زن و شوهری بخواهند در این باره در عقدنامه چیزی درج کنند این مسئله ممکن نیست زیرا نه صاحب فرزند هستند و نه معلوم است که در آینده صاحب فرزند می‌شوند و چون فرزند از نظر حقوقی وجود ندارد درباره آن نمی‌توانند تصمیم‌گیری کنند.

ادامه سرمقاله در صفحه ۳

آفتاب حقوقی

شنبه ۲۸ شهریورماه ۱۴۰۵ سال اول شماره ۴۷

سوالات حقوقی را برای ما بفرستید

شما به طرق زیر می‌توانید با آفتاب حقوقی ارتباط بگیرید

۱- ایمیل aftab.yz@gmail.com
۲- واتساپ- بله- تلگرام ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶

برای رعایت حال مخاطبانی که به هیچ یک از موارد بالا دسترسی ندارند تلفن ۰۲۱-۸۸۳۲۸۷۴۳ و ۰۲۱-۸۸۳۲۸۷۴۳ (ساعت ۱۷ لغایت ۲۱) پاسخگو هستیم.

روابط عمومی آفتاب حقوقی

تأملی بر حدود مشارکت در جرم در ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی

آیا جرم غیر قابل مشارکت وجود دارد؟

دکتر مهدی حاج محمود عطار - دکتر پیمان حاج محمود عطار

مشارکت در جرم یکی از اشکال مداخله چند نفر در ارتکاب رفتار مجرمانه است که در ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد شناسایی قرار گرفته است. در نگاه نخست ممکن است تصور شود هرگاه دو یا چند نفر در وقوع یک رفتار مجرمانه دخالت داشته باشند، می‌توان آنان را «شریک جرم» دانست؛ حال آنکه تعدد مرتکبان، لزوماً به معنای تحقق مشارکت کیفری نیست. تحقق مشارکت، مستلزم احراز شرایط مقرر در قانون، از جمله مداخله در عملیات اجرایی جرم است. بر این اساس، در برخی جرایم ممکن است ساختار حقوقی جرم به گونه‌ای باشد که مشارکت به معنای فنی آن قابل تحقق نباشد یا دست‌کم تحقق آن با محدودیت‌ها و اختلاف‌نظرهای جدی مواجه شود.

این وضعیت به‌ویژه در جرایمی که تکلیف یا وصف قانونی لازم برای ارتکاب، قائم به شخص معین است و نیز در برخی جرایم شخصی و ترک فعل‌های محض قابل بررسی است. با این حال، نباید هر جرم خاص یا هر جرم شخصی را صرفاً به دلیل ویژگی آن، «غیر قابل مشارکت» دانست. معیار اساسی، امکان انطباق رفتار اشخاص با شرایط ماده ۱۲۵ است.

در حقوق کیفری، وقوع یک جرم همواره نتیجه رفتار یک شخص نیست. گاه چند نفر در تحقق یک رفتار مجرمانه دخالت می‌کنند و هر یک بخشی از عملیات اجرایی جرم را انجام می‌دهند. در چنین وضعیتی، قانون از عنوان «مشارکت در جرم» استفاده می‌کند. با وجود این، باید میان «تعدد مرتکبان» و «مشارکت در جرم» تفاوت گذاشت. اینکه در یک واقعه مجرمانه دو یا چند نفر حضور داشته یا حتی هر یک مرتکب رفتار مجرمانه‌ای شده باشند، به‌خودی‌خود اثبات‌کننده مشارکت کیفری نیست.

ادامه گزارش در صفحه ۲

ایجاد نظام جامع مدیریت حقوقی قرارداد، تفکیک دقیق مسئولیت واحدهای فنی، مالی و حقوقی، استانداردسازی اسناد پیمان و تقویت نظارت پیشگیرانه

هادی امیر بهادری – کارشناس مرکز حقوقی شهرداری تهران

۱- مقدمه و بیان مسئله

شهرداری‌ها به‌عنوان نهادهای عمومی غیردولتی، مسئولیت اداره امور شهری، تأمین خدمات عمومی، ایجاد و نگهداری زیرساخت‌ها و اجرای طرح‌های عمرانی را بر عهده دارند گسترده‌گی وظایف، شهرداری‌ها را ناگزیر از انعقاد قراردادهای متعدد با اشخاص حقیقی و حقوقی در زمینه‌های احداث، نگهداری، خدمات شهری، حمل‌ونقل، فضای سبز و تأسیسات کرده است این قراردادها اگرچه به قراردادهای خصوصی شباهت دارند، اما به دلیل ماهیت عمومی کارفرما، استفاده از منابع عمومی، لزوم رعایت تشریفات معاملاتی و نظارت شوراهای اسلامی شهر، در چارچوبی دوگانه (حقوق خصوصی و الزامات حقوق عمومی) قابل تحلیل هستند

نکته اساسی آنکه بخش قابل‌توجهی از اختلافات، نه ناشی از تخلف در حین اجرا، بلکه ریشه در مراحل پیش از انعقاد، ابهام در اسناد مناقصه، برآوردهای غیردقیق، تنظیم نادرست شرایط خصوصی، ضعف در مستندسازی و بی‌توجهی به الزامات بیمه‌ای و مالیاتی دارد پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به قوانین مدنی، مناقصات، آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها، شرایط عمومی پیمان (نشریه ۴۳۱۱)، قانون تأمین اجتماعی، قانون کار، مقررات مالیاتی و اصل ۱۳۹ قانون اساسی، به شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملی پرداخته است.

۲- مفهوم و انواع قراردادها

قرارداد پیمانکاری توافقی است که به موجب آن، پیمانکار در برابر دریافت مبلغ معین، اجرای عملیات، ساخت، تعمیر، نگهداری یا ارائه خدمات را در مدت معین بر عهده می‌گیرد این قراردادها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

قراردادهای عمرانی: ویژگی‌های آن‌ها شامل ایجاد یا اصلاح تأسیسات، وابستگی به نقشه و مشخصات فنی، پرداخت بر اساس صورت‌وضعیت، تغییر مقادیر، تحویل موقت و قطعی، و تأثیر چشمگیر تأخیر بر آثار مالی است.

قراردادهای خدماتی: دارای عناصر استمرار یا تکرار خدمت، وابستگی به نیروی انسانی، اهمیت رعایت قانون کار و تأمین اجتماعی، پرداخت ماهانه، نظارت مستمر، و ضرورت پیش‌بینی سازوکار جایگزینی نیرو برای استمرار خدمت عمومی هستند. قراردادهای خرید و تهیه تجهیزات: ماهیت ترکیبی دارند و شامل خرید، حمل، نصب و راه‌اندازی تجهیزات می‌شوند در این قراردادها باید مشخص شود که تابع شرایط عمومی پیمان هستند یا مقررات خرید کالا

۳- مبانی قانونی اعتبار قراردادها

اصل آزادی قراردادها (ماده ۱۰ قانون مدنی) به شهرداری و پیمانکار اجازه می‌دهد جزئیات رابطه قراردادی را تعیین کنند، اما این آزادی مطلق نیست و شهرداری نمی‌تواند برخلاف قوانین آمره، بودجه مصوب، مقررات معاملاتی یا حقوق اشخاص ثالث توافق کند شرایط اساسی اعتبار قرارداد عبارت‌اند از: وجود اعتبار مصوب، صلاحیت مقام امضاکننده، رعایت تشریفات قانونی، احراز صلاحیت پیمانکار، تعیین دقیق موضوع و مبلغ، و مشخص‌بودن اسناد قرارداد

اصل لزوم قراردادها (ماده ۲۱۹ قانون مدنی) ایجاب می‌کند که شهرداری نمی‌تواند صرفاً به دلیل تغییر مدیریت یا نارضایتی، قرارداد را بدون مجوز قانونی خاتمه دهد و پیمانکار نیز نمی‌تواند بدون دلیل اجرا را متوقف کند

عرف و رویه اداری در تفسیر تعهدات مؤثر است، اما نمی‌تواند برخلاف متن صریح قرارداد یا قوانین آمره باشد

۴- جایگاه شهرداری و الزامات حقوق عمومی

شهرداری دارای شخصیت حقوقی مستقل است انعقاد قرارداد

باید توسط مقام صالح انجام شود و امضای مقام فاقد صلاحیت، اعتبار قرارداد را با چالش مواجه می‌کند شورای اسلامی شهر وظایفی مانند تصویب بودجه و نظارت بر معاملات مهم را بر عهده دارد و شهرداری نمی‌تواند در موارد نیاز به تصویب شورا، بدون طی این فرآیند اقدام کند. ضرورت وجود اعتبار از الزامات اساسی است هر قرارداد مالی باید دارای محل تأمین اعتبار مشخص باشد و مواردی مانند ردیف بودجه، مبلغ، سال مالی و نحوه تخصیص در آن درج شود.

۵- تشریفات انتخاب پیمانکار

اصل اساسی در معاملات، رعایت شفافیت، رقابت و رفتار برابر است بر اساس نصاب‌های ماده ۳ قانون برگزاری مناقصات (سال ۱۴۰۵)، معاملات به سه دسته تقسیم می‌شوند: کوچک (تا ۴,۲۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال)، متوسط (تا ۴۲,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) و بزرگ (بیش از آن) در معاملات بزرگ، انتخاب پیمانکار باید از طریق مناقصه انجام شود که مراحل آن شامل تهیه اسناد، انتشار آگهی، دریافت و ارزیابی پیشنهادها، تعیین برنده و انعقاد قرارداد است.

مناقصه عمومی برای همه واجدان شرایط باز است و مناقصه محدود تنها برای اشخاص دعوت‌شده ترک تشریفات مناقصه استثنایی است و باید مستند، واقعی و با تأیید مرجع صالح باشد؛ صرف فوریت اداری مجوز ترک تشریفات نیست.

۶- اسناد قرارداد

اسناد قرارداد شامل موافقت‌نامه، شرایط عمومی و خصوصی، مشخصات فنی، فهرست مقادیر، برنامه زمانی، نقشه‌ها، صورت‌جلسه تحویل کارگاه، اسناد مناقصه، پیشنهاد پیمانکار و الحاقیه‌ها است شرایط خصوصی برای تکمیل شرایط عمومی تنظیم می‌شود و باید موضوع، مدت، مبلغ، نحوه تعدیل، شیوه پرداخت، تضمین‌ها، تعهدات بیمه‌ای، نحوه تحویل، جرایم و مرجع حل اختلاف را مشخص کند برای رفع تعارض میان اسناد، باید ترتیب اولویت صریح درج شود.

۷- تعهدات اصلی شهرداری

شهرداری موظف به تحویل کارگاه، ارائه نقشه‌ها و مجوزهاست پرداخت به‌موقع صورت‌وضعیت‌ها از تعهدات اصلی است و تأخیر غیرموجه می‌تواند موجب مطالبه خسارت، حق تعلیق یا برهم‌خوردن تعادل اقتصادی شود دستورکارها باید کتبی و شامل شرح دقیق کار، مبلغ، اثر بر مدت و تأیید ناظر باشند نظارت باید منصفانه و حرفه‌ای باشد و نباید به مداخله در مدیریت داخلی پیمانکار بینجامد

۸- تعهدات اصلی پیمانکار

پیمانکار مکلف به اجرای کار مطابق اسناد، نقشه‌ها و برنامه زمانی است اجرای ناقص یا استفاده از مصالح نامرغوب می‌تواند موجب اصلاح، کسر هزینه، عدم تأیید صورت‌وضعیت، مطالبه خسارت و حتی فسخ شود تأمین نیروی انسانی و تجهیزات بر عهده پیمانکار است و باید نیروهای ماهر و تحت پوشش قانون به‌کار گرفته شوند رعایت ایمنی در محل کار الزامی است و حوادث ناشی از بی‌احتیاطی مسئولیت‌آفرین خواهد بود واگذاری غیرمجاز پیمان به ثالث، تخلف اساسی محسوب می‌شود

۹- تضمین‌های قراردادی

تضمین‌ها با هدف حمایت از منافع عمومی دریافت می‌شوند و شامل سه نوع هستند: تضمین شرکت در مناقصه (برای جلوگیری از انصراف برنده)، تضمین انجام تعهدات (پس از انتخاب پیمانکار) و تضمین حسن انجام کار (مطابق ماده ۳۵ شرایط عمومی پیمان، ۱۰٪ از هر پرداخت کسر می‌شود)

اقدام نسبت به تضمین باید مستند باشد و شهرداری باید تخلف را احراز، خسارت را محاسبه و فرصت اصلاح (در صورت پیش‌بینی) اعطا کند

۱۰- مبلغ قرارداد و تغییر مقادیر

مبلغ قرارداد باید بر اساس برآورد دقیق تعیین شود؛ برآورد غیرواقعی موجب عدم استقبال پیمانکاران، کاهش کیفیت و افزایش اختلافات می‌گردد تغییر مقادیر در پروژه‌های عمرانی متداول است اما باید در محدوده اختیارات قراردادی باشد و برای هر تغییر، وجود اعتبار، صلاحیت مرجع و تأثیر بر مدت بررسی شود کارهای خارج از موضوع را نمی‌توان با دستورکار ساده تحمیل کرد و نیاز به قرارداد جدید یا الحاقیه معتبر دارد در قراردادهای بلندمدت، تعدیل به‌دلیل تغییرات شدید قیمت باید پیش‌بینی شود.

۱۱- تأخیر در اجرا

تأخیر مجاز زمانی است که ناشی از عوامل خارج از اختیار پیمانکار یا تعهدات انجام‌نشده کارفرما باشد (تأخیر در تحویل کارگاه، نقشه، مجوز، حوادث قهری، تأخیر در پرداخت) تأخیر غیرمجاز ناشی از قصور پیمانکار در مدیریت، تأمین نیرو یا مصالح است تشخیص تأخیر باید بر اساس برنامه زمانی و مسیر بحرانی انجام شود لایحه تأخیرات باید شامل تاریخ رویدادها، مسئول، مستندات و مدت اثرگذاری باشد خسارت تأخیر نیازمند مبنای قراردادی و معیار محاسبه روشن است؛ عبارات کلی بدون معیار، اختلاف‌آفرین خواهد بود.

۱۲- مسئولیت‌های بیمه‌ای و تأمین اجتماعی

ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی، قراردادهای پیمانکاری را مشمول الزامات بیمه کارکنان می‌کند و پرداخت آخرین قسط را به ارائه مفاصاحساب منوط می‌سازد در قرارداد باید مسئول پرداخت حق بیمه، مدارک مورد نیاز و نحوه نگهداری مبالغ مشخص شود در قراردادهای خدماتی، ضریب بیمه باید پیش از انعقاد بررسی شود شهرداری باید از پرداخت بدون رعایت تکالیف بیمه‌ای خودداری کند و درج شروط خلاف مقررات آمره، مانع مسئولیت قانونی نیست.

۱۳- قانون کار و روابط پیمانکار با کارکنان

در حالت معمول، کارکنان با پیمانکار رابطه استخدامی دارند پیمانکار مکلف به رعایت حقوق، بیمه، ایمنی، مرخصی و اضافه‌کاری است در قراردادهای خدماتی، بروز مطالبات معوق یا تجمع نیروها می‌تواند خدمت عمومی را مختل کند؛ بنابراین قرارداد باید سازوکارهایی برای پرداخت منظم، جایگزینی نیرو و حفظ استمرار خدمت پیش‌بینی کند

۱۴- الزامات مالیاتی

قراردادها ممکن است مشمول مالیات بر درآمد، ارزش افزوده، کسورات قانونی و مالیات حقوق شوند درج مسئولیت مالیاتی در قرارداد مفید است اما تکالیف قانونی اشخاص را تغییر نمی‌دهد پیشنهاد می‌شود واحد مالی شهرداری وضعیت مالیاتی را پیش از انعقاد بررسی کند

۱۵- منع مداخله و تعارض منافع

قراردادها باید با رعایت مقررات منع مداخله کارکنان دولت منعقد شوند موارد خطر تعارض منافع شامل ارتباط نزدیک با تصمیم‌گیران، عضویت کارکنان در شرکت پیمانکار، تبانی و افشای اطلاعات محرمانه است برای پیشگیری، اظهارنامه تعارض منافع و مستندسازی فرآیند ارزیابی ضروری است

۱۶- تعلیق، تحویل و فسخ

تعلیق توقف موقت اجراست و باید دارای دستور کتبی با ذکر علت، مدت و هزینه‌های دوران تعلیق باشد تعلیق طولانی بدون تعیین تکلیف، اختلاف‌آفرین است تحویل موقت پس از تکمیل عملیات اصلی انجام می‌شود و شامل صورت‌جلسه با فهرست نواقص و مهلت رفع است در دوره تضمین، پیمانکار عیوب ناشی از اجرای نامناسب را برطرف می‌کند و تحویل قطعی پس از پایان دوره تضمین صورت می‌گیرد

فسخ پایان یک‌جانبه قرارداد بر اساس تخلف پیمانکار است موارد فسخ شامل تأخیر مؤثر، عدم تجهیز، واگذاری غیرمجاز، ورشکستگی و عدم رعایت ایمنی است فسخ باید با تشریفات (اخطار، مهلت اصلاح، گزارش و تصمیم مرجع صالح) انجام شود و فسخ شتاب‌زده ممکن است موجب محکومیت شهرداری گردد.

خاتمه بدون تقصیر پیمانکار و به‌دلیل مصلحت کارفرما انجام می‌شود و باید تکلیف کار انجام‌شده، مصالح، تجهیزات و مطالبات مشخص شود.

۱۷- حل اختلاف

بهترین روش، مذاکره و سازش در سطح کارشناسی است در صورت نیاز، کارشناسی رسمی به تعیین پیشرفت، علت تأخیر و میزان خسارت کمک می‌کند داوری باید با رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی باشد در نهایت، مراجعه به دادگاه با ارائه اسناد کامل (قرارداد، مکاتبات، صورت‌وضعیت‌ها، مستندات تأخیر و مفاصاحساب‌ها) امکان‌پذیر است

۱۸- مسئولیت مدنی و آسیب‌های قراردادی

پیمانکار در برابر تخریب اموال، آسیب به شهروندان، اجرای معیوب و آلودگی محیط‌زیست مسئول است شهرداری و کارکنان آن نیز در صورت انعقاد قرارداد بدون اعتبار، عدم رعایت مناقصه، تأیید خلاف واقع یا تأخیر در پرداخت، مسئول شناخته می‌شوند

مهم‌ترین آسیب‌ها عبارت‌اند از: ابهام در موضوع قرارداد، برآورد غیرواقعی، الحاقیه‌های متعدد (نشانه ضعف مطالعات یا دورزدن تشریفات)، دستورات شفاهی (غیرقابل اثبات در اختلاف)، ضعف در مستندسازی تأخیر و بی‌توجهی به قراردادهای خدماتی (تمرکز صرف بر قیمت و غفلت از کیفیت و بیمه)

۱۹- راهکارهای پیشنهادی

- ۱- ایجاد بانک اطلاعات جامع قراردادها با ثبت مشخصات پیمانکار، مبلغ، مدت، تضمین‌ها، سوابق، دعاوی و وضعیت بیمه و مالیات.
- ۲- تفکیک دقیق مسئولیت واحدهای فنی، مالی و حقوقی در فرآیندهای تنظیم، اجرا و نظارت
- ۳- استانداردسازی اسناد پیمان با استفاده از الگوهای مشخص برای شرایط خصوصی و صورت‌جلسات
- ۴- تقویت نظارت پیشگیرانه در مراحل پیش از انعقاد (بررسی اعتبار، صلاحیت) و حین اجرا (مستندسازی)
- ۵- آموزش دوره‌ای نیروی انسانی در زمینه قوانین معاملاتی، حقوق قراردادها و بیمه
- ۶- شفافیت کامل در فرآیندهای مناقصه، ارزیابی، تغییرات و پرداخت‌ها

۲۰- نتیجه‌گیری

قراردادهای پیمانکاری و خدماتی شهرداری‌ها به‌دلیل ماهیت دوگانه خود، از حساسترین موضوعات حقوقی هستند بسیاری از اختلافات در مرحله مطالعات اولیه، تنظیم اسناد و برآوردها ریشه دارند اجرای سیستماتیک راهکارهای پیشنهادی — نظام جامع مدیریت حقوقی، تفکیک مسئولیت، استانداردسازی و نظارت پیشگیرانه — می‌تواند به‌طور چشمگیری از دعاوی جلوگیری کند، از بیت‌المال صیانت نماید، اعتمادپذیری معاملات را افزایش دهد و کیفیت خدمات شهری را بهبود می‌بخشد.

چه کسانی عهده‌دار نفقه فرزندان هستند

ادامه از صفحه اول:

اولاد تا چه زمانی مستحق دریافت نفقه هستند؟

در شرع و قانون، سن معینی برای نفقه فرزندان در نظر گرفته نشده و عرفاً مادام که اولاد دارای شغل و درآمد مشخص نباشند، پدر نسبت به پرداخت نفقه مسئولیت دارد باید توجه داشت که در مورد کارمندان دولت شاهد آن هستیم تا زمانی که دختر، همسر انتخاب نکرده و یا پسر مشغول تحصیل باشد به کارمند حق اولاد پرداخت می‌شود. اگر پدر و مادری از یکدیگر جدا شده باشند و حضانت فرزندان به مادر واگذار شده باشد و پدر در صورتجلسه طلاق منزل مسکونی اش را به مادر و فرزندان انتقال دهد. آیا باز هم پدر مکلف به پرداخت نفقه است؟ نخست، نفقه تنها شامل مسکن نمی‌شود و اموری چون غذا، اساس منزل، هزینه درمان، لباس و ... نیز نفقه محسوب می‌شود. در ثانی پرداخت نفقه تکلیف قانونی پدر است و مادر ولایتی بر فرزندان ندارد و موضوع حضانت و سرپرستی موضوعی جدا از ولایت است.

کارشناسی نفقه فرزند چگونه است؟

شاید این پرسش برای بسیاری از مخاطبان پیش بیاید که نفقه فرزند چگونه کارشناسی می‌شود؟ آیا در خصوص کودک نیز مانند خانمها مسائلی مانند تحصیلات شان خانوادگی و موقعیت کاری لحاظ می‌شود؟ اگر چنین مسئله ای وجود دارد این نکات چگونه درباره خانمها انجام می شود؟ کارشناسی که مسئول رسیدگی به پرونده نفقه فرزند است معمولاً مبلغ نفقه را با توجه به وضعیت اجتماعی و نیازهای فرزند مشخص می‌کند کارشناس مکلف است با بررسی وضع زندگی خانوادگی فرزند و نیز بررسی مدارکی که از سوی مادر یا قیم او ارائه می‌شود میزان هزینه نگهداری فرزند را محاسبه کند برخی تصور میکنند اگر زنی شاغل باشد دیگر امکانی برای درخواست نفقه فرزندش ندارد؛ اما این مسئله چنین نیست و زنان شاغل هم می‌توانند بابت نفقه

فرزند خود طرح دعوی کنند از طرف دیگر موقعیت زندگی مادر در تعیین میزان نفقه تاثیر زیادی دارد و علی الاصول وضعیت زندگی مادر به زندگی فرزند او نیز سرایت می‌کند اگر مادری در دوران نوجوانی خود از وضعیت مرفهی برخوردار باشد یا در زمان طرح شکایت ساکن منطقه‌ای گرانقیمت باشد این مسئله نیز در تعیین نفقه فرزند او موثر است. حتی میزان نفقه فرزند از یک جامعه روستایی به یک شهر و در نقاط مختلف شهر نیز تفاوت دارد.

محدودیت شکایت برای نفقه فرزند

نفقه فرزند نیز مانند نفقه گذشته قابلیت طرح شکایت‌های متعدد را دارد و فرزندان می‌توانند پس از پرداخت نفقه ای معین تقاضای جدیدی برای دریافت نفقه گذشته مطرح کنند. نکته جالب توجه در قانون این است که دختران تا زمان ازدواج می‌توانند تقاضای نفقه گذشته داشته باشند، ولی اگر دختری ازدواج کند و پس از آن طلاق بگیرد دادگاه دیگر به شکایت او برای نفقه گذشته حکم نمی‌دهد. از طرف دیگر پسران نیز تا ۱۸ سالگی و تا زمانی که در خانه پدر خود تحصیل می‌کنند حتی در صورت جدا نشدن پدر و مادر از هم می‌توانند دادخواست نفقه فرزند ارائه کنند، اما پس از ۱۸ سالگی و با اتمام تحصیل، دیگر پدر وظیفه ای برای پرداخت نفقه به او نخواهد داشت نفقه فرزند نیز مانند نفقه گذشته قابلیت طرح شکایت‌های متعدد را دارد و فرزندان می‌توانند پس از پرداخت نفقه ای معین تقاضای جدیدی برای دریافت نفقه گذشته مطرح کنند. شاید اگر قانون در این زمینه به صورت دیگری نوشته میشد فرزندان می‌توانستند تا ۴۰ سالگی در خانه پدری ساکن باشند و از نعمت یک زندگی مرفه به اضافه نفقه برخوردار باشند. البته شکل دیگری از این ماجرا هم وجود دارد و آن درخواست نفقه از سوی پدر و مادر از فرزند است که در صورت طرح چنین درخواستی و عدم توانایی پدر برای کار کردن دادگاه فرزندی را که توان مالی دارد به پرداخت نفقه وادار خواهد کرد.

چرایی عدم موفقیت ایران در دعاوی بین المللی حوزه ورزش با محوریت فوتبال



مهتاب تاجیک

رییس کمیسیون وکالت در ورزش
فدراسیون بین المللی حقوق ورزشی

ایران در مرحله بدوی محکوم به پرداخت غرامت سنگین شود. سوءاستفاده از روند شکایت برای «خرید زمان» یک یافته مهم دیگر این است که در بسیاری از پرونده‌ها، طرف ایرانی از قبل می‌داند که حق با طرف مقابل است و شانس برای برنده شدن ندارد، اما تنها برای به تعویق انداختن پرداخت بدهی یا ایجاد اهرم فشار به CAS شکایت می‌کند. این رویکرد باعث می‌شود نه تنها ایران در نهایت پرونده را ببازد، بلکه هزینه‌های دادرسی و جریمه دیرکرد نیز به مبلغ محکومیت اضافه شود. عدم استقلال مالی و مدیریت غیرحرفه‌ای باشگاه‌ها وابستگی باشگاه‌های ایرانی به دولت یا نهادهای نیمه‌دولتی، تصمیم‌گیری‌ها را مقطعی و غیرحرفه‌ای کرده است. عدم پرداخت به موقع دستمزد بازیکنان و مربیان خارجی یکی از رایج‌ترین دلایل شکایت‌های بین‌المللی است. در سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۶، بیش از ۳۰ بازیکن خارجی به دلیل عدم دریافت مطالباتشان از باشگاه‌های ایرانی به فیفا و CAS شکایت کرده و پیروز شده‌اند. این آرا منجر به بسته شدن پنجره نقل و انتقالات باشگاه‌ها و جریمه‌های فزاینده می‌شود. آمار کلی: کمتر از ۲۵٪ پیروزی بر اساس تحلیل پرونده‌های ایران در CAS، کمتر از ۲۵ درصد دعاوی مربوط به طرف ایرانی با پیروزی ایران خاتمه یافته است. هرچند این آمار در مقایسه با برخی کشورها فاجعه‌بار نیست، اما بررسی کیفی نشان می‌دهد که حتی در همین موارد، ایران در پرونده‌های مهم و مالی سنگین (مانند ویلموتس) بازنده بوده است. شکست در این پرونده‌ها لطمه جدی به اعتبار بین‌المللی فوتبال ایران وارد کرده است.

پژوهش‌های حقوقی ورزشی و بررسی پرونده‌های ایران در دادگاه عالی ورزش (CAS) نشان می‌دهد که شکست ایران در دعاوی بین‌المللی فوتبال، بیش از آنکه ناشی از «بی‌عدالتی» یا «توطئه» باشد، ریشه در ضعف ساختاری، عدم تخصص حقوقی و مدیریت غیرحرفه‌ای قراردادها دارد. ضعف تخصص حقوقی و ساختارهای ناکارآمد مهم‌ترین عاملی که در پژوهش‌های دانشگاهی به عنوان دلیل عدم موفقیت ایران معرفی شده، فقدان مدیران و وکلای متخصص در حوزه حقوق ورزشی است. باشگاه‌ها و فدراسیون فوتبال فاقد مدیران آشنا به زبان‌های بین‌المللی و قوانین پیچیده قراردادهای ورزشی هستند. به جای استفاده از وکلای متخصص، مدیران غیرمتخصص اقدام به تنظیم قراردادهایی می‌کنند که در دادگاه‌های بین‌المللی فاقد اعتبار کافی است. ضعف اساسی در تنظیم قراردادها بخش قابل توجهی از شکست‌ها به دلیل بی‌توجهی به مفاد قراردادها و شرایط صحت معاملات رخ می‌دهد. در پرونده مارک ویلموتس (سرربی سابق تیم ملی)، فدراسیون نه تنها قراردادی غیرمتعارف امضا کرد، بلکه حتی در جریان رسیدگی، جزئیات رأی فیفا را در مهلت قانونی ۳۰ روزه دریافت نکرد تا اعتراض خود را ثبت کند. این سهل‌انگاری باعث شد

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: دکتر منصور مظفری / وکیل پایه یک دادگستری
- آدرس: تهران - خیابان شهید مطهری - ابتدای قائم مقام فراهانی، کوچه ۲۶، پلاک ۱۰
- یزد - بلوار ۲۲ بهمن - ابتدای کوچه اعظم ۱۸ ۰۹۱۲۸۴۳۷۰
- تلفن: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶ - ۰۹۱۳۱۵۱۵۲۱۰ - ۸۸۳۲۸۷۴۳ ایمیل: aftab.yz@gmail.com



دکتر مهدی حاج محمود عطار
دکترای حقوق کیفری
و جرم شناسی و
وکیل پایه یک دادگستری



دکتر بهمن حاج محمود عطار
دکترای حقوق کیفری
و جرم شناسی و
وکیل پایه یک دادگستری

مشارکت در جرم یکی از اشکال مداخله چند نفر در ارتکاب رفتار مجرمانه است که در ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد شناسایی قرار گرفته است. در نگاه نخست ممکن است تصور شود هرگاه دو یا چند نفر در وقوع یک رفتار مجرمانه دخالت داشته باشند، می‌توان آنان را «شریک جرم» دانست؛ حال آنکه تعدد مرتکبان، لزوماً به معنای تحقق مشارکت کیفری نیست. تحقق مشارکت، مستلزم احراز شرایط مقرر در قانون، از جمله مداخله در عملیات اجرایی جرم است. بر این اساس، در برخی جرایم ممکن است ساختار حقوقی جرم به گونه‌ای باشد که مشارکت به معنای فنی آن قابل تحقق نباشد یا دست کم تحقق آن با محدودیت‌ها و اختلاف نظرهای جدی مواجه شود.

این وضعیت به‌ویژه در جرایمی که تکلیف یا وصف قانونی لازم برای ارتکاب، قائم به شخص معین است و نیز در برخی جرایم شخصی و ترک فعل‌های محض قابل بررسی است. با این حال، نباید هر جرم خاص یا هر جرم شخصی را صرفاً به دلیل ویژگی آن، «غیر قابل مشارکت» دانست. معیار اساسی، امکان انطباق رفتار اشخاص با شرایط ماده ۱۲۵ است.

در حقوق کیفری، وقوع یک جرم همواره نتیجه رفتار یک شخص نیست. گاه چند نفر در تحقق یک رفتار مجرمانه دخالت می‌کنند و هر یک بخشی از عملیات اجرایی جرم را انجام می‌دهند. در چنین وضعیتی، قانون از عنوان «مشارکت در جرم» استفاده می‌کند. با وجود این، باید میان «تعدد مرتکبان» و «مشارکت در جرم» تفاوت گذاشت. اینکه در یک واقعه مجرمانه دو یا چند نفر حضور داشته یا حتی هر یک مرتکب رفتار مجرمانه‌ای شده باشند، به‌خودی‌خود اثبات‌کننده مشارکت کیفری نیست. ممکن است رفتار هر یک، جرم مستقلی باشد؛ ممکن است یکی فاعل و دیگری معاون باشد؛ ممکن است شخصی سبب وقوع جرم شده باشد؛ و در مواردی نیز اساساً نتوان رفتار اشخاص را در قالب مشارکت در یک جرم واحد تحلیل کرد. از همین‌جا پرسش مهمی مطرح می‌شود: آیا جرمی وجود دارد که به لحاظ ساختار حقوقی، اصولاً قابل مشارکت نباشد؟ پاسخ به این پرسش مستلزم بررسی مفهوم مشارکت در ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی و تمایز آن از سایر اشکال مداخله در جرم است. مفهوم مشارکت در جرم ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به عمل همه آنها باشد، خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است.» از این ماده چند نکته اساسی قابل استخراج است. نخست آنکه مشارکت مستلزم تعدد اشخاص است. دوم آنکه این اشخاص باید در عملیات اجرایی جرم مداخله داشته باشند. سوم آنکه جرم باید به عمل همه آنان مستند باشد. چهارم آنکه برای تحقق مشارکت، لازم نیست عمل هر شریک به تنهایی برای تحقق جرم کافی باشد و همچنین لازم نیست اثر رفتار شرکا یکسان باشد. بنابراین، ماده ۱۲۵ برخلاف تصور ساده اولیه، صرف «همکاری» چند نفر را مشارکت کیفری نمی‌داند؛ بلکه نوع و جایگاه رفتار هر شخص در عملیات اجرایی جرم اهمیت اساسی دار تفاوت مشارکت با تعدد مرتکبان: یکی از خطاهای قابل توجه در تحلیل پرونده‌های کیفری، مساوی دانستن «چند مرتکب» با «چند شریک جرم» است. ممکن است دو نفر در یک واقعه مجرمانه دخالت داشته باشند، اما مرتکب دو جرم مستقل شده باشند. برای نمونه، اگر دو نفر در دو زمان یا با دو رفتار مستقل، شخص واحدی را مود توهین قرار دهند، اصل بر این نیست که آنان شریک یک جرم توهین‌اند؛ بلکه ممکن است هر یک مرتکب جرم مستقلی شده باشد. در مقابل، اگر رفتار اشخاص در چارچوب یک عملیات اجرایی مشترک قرار گیرد و جرم مستند به رفتار همه آنان باشد، عنوان مشارکت قابل بررسی خواهد بود. بنابراین: تعدد مرتکبان، اعم از مشارکت در جرم است. هر مشارکت مستلزم تعدد مرتکبان است، اما هر تعدد مرتکبان، مشارکت در جرم محسوب نمی‌شود. آیا هر جرمی قابل مشارکت است؟ پاسخ را نمی‌توان به صورت مطلق مثبت یا منفی دانست. برخی جرایم به گونه‌ای هستند که

تعدد اشخاص در عملیات اجرایی آنها به‌آسانی قابل تصور است؛ مانند قتل، سرقه، تخریب و بسیاری از جرایم مادی. اما در برخی جرایم، ساختار جرم با این پرسش مواجه می‌شود که آیا چند نفر می‌توانند در تحقق یک جرم واحد شریک باشند یا خیر. در اینجا باید میان سه وضعیت تفکیک کرد: ۱. جرمی که مشارکت در آن به‌طور واقعی و ساختاری ممکن نیست؛ ۲. جرمی که مشارکت در آن ممکن است، اما درباره حدود آن اختلاف نظر وجود دارد؛ ۳. جرمی که تعدد مرتکبان در آن ممکن است، ولی این تعدد، مشارکت در جرم واحد محسوب نمی‌شود. این تفکیک برای جلوگیری از توسعه بی‌ضابطه عنوان مشارکت ضروری است. جرایم با فاعل یا وصف خاص: در برخی جرایم، قانون برای مرتکب، وصف یا وضعیت خاصی مقرر کرده است. در اصطلاح حقوق کیفری تطبیقی از این دسته با عنوان *delicta propria* یاد می‌شود. پرسش این است که اگر شخصی فاقد آن وصف، در عملیات اجرایی جرم دخالت کند، آیا می‌توان او را شریک جرم دانست؟ پاسخ را نمی‌توان صرفاً با توجه به وصف خاص مرتکب تعیین کرد. برای مثال، در خیانت در امانت، رابطه امانی برای تحقق جرم اهمیت اساسی دارد. اما اینکه شخصی فاقد وصف «امین» باشد، به‌تنهایی کافی نیست تا مشارکت او در جرم منتفی تلقی شود. باید بررسی کرد که رفتار وی دقیقاً چه بوده و آیا این رفتار، مداخله در عملیات اجرایی جرم محسوب می‌شود یا خیر. بنابراین، وصف خاص مرتکب را نباید به‌طور خودکار مساوی با «غیر قابل مشارکت بودن جرم» دانست. در این حوزه، مسئله اصلی این است که آیا شخص فاقد وصف، می‌تواند از طریق رفتار اجرایی خود، در جرم شخص واجد وصف شریک شود یا رفتار او صرفاً در قالب معاونت یا عنوان مجرمانه دیگری قابل تحلیل است. پس: جرم دارای فاعل خاص، لزوماً جرم غیر قابل مشارکت نیست. جرایم شخصی و فاعلیت مستقل یکی از مهم‌ترین زمینه‌های بحث درباره جرم غیر قابل مشارکت، است که رفتار مجرمانه در آنها به‌صورت شدیداً شخصی و مستقل از رفتار شخص دیگر تحقق پیدا می‌کند. در چنین مواردی ممکن است دو نفر در یک واقعه واحد حضور داشته باشند، اما هر یک، رفتار تشکیل‌دهنده جرم را نسبت به خود مرتکب شده باشد. در این وضعیت، تعدد اشخاص را نباید به‌سرعت مشارکت در یک جرم واحد تلقی کرد. نمونه قابل توجه، جرایم جنسی است که در آنها رفتار هر یک از طرفین می‌تواند موضوع ارزیابی کیفری مستقل قرار گیرد. در چنین وضعیتی، صرف وجود رابطه میان دو شخص، لزوماً به معنای آن نیست که هر دو در «یک جرم واحد» شریک شده‌اند. بنابراین باید میان: «ارتکاب یک جرم توسط چند نفر» و «ارتکاب جرم مستقل توسط چند نفر در یک واقعه واحد» تمایز گذاشت. این تمایز از نظر مسئولیت کیفری، عنوان اتهام و نحوه تنظیم کیفرخواست اهمیت فراوان دارد

جرایم ترک فعل و تکالیف قائم به شخص:

موضوع مهم دیگر، جرایم ناشی از ترک فعل است. در جرایم ترک فعل محض، مسئولیت کیفری معمولاً بر نقض تکلیفی استوار است که قانون مستقیماً بر عهده شخص معین قرار داده است. برای مثال، در ترک اتفاق، تکلیف قانونی پرداخت نفقه متوجه شخصی است که قانون او را مکلف به اتفاق کرده است. حال اگر شخص ثالثی فاقد چنین تکلیفی باشد، نمی‌توان صرف ترک فعل او را همان ترک فعلی دانست که قانون برای شخص مکلف جرم‌انگاری کرده است. به بیان دیگر، شخص ثالث نمی‌تواند صرفاً با «ترک نکردن یا انجام ندادن» تکلیفی که اساساً بر عهده او قرار نگرفته است، شریک جرم ترک فعل شخص مکلف محسوب شود. البته این امر مانع از آن نیست که شخص ثالث در شرایط قانونی، از طریق تحریک، تهیه وسایل یا تسهیل وقوع جرم، معاون جرم محسوب شود. بنابراین باید میان: شریک در ترک فعل و معاون در جرم ناشی از ترک فعل تفاوت گذاشت. در جرایم ترک فعل قائم به شخص، امکان مشارکت مستقیم شخص فاقد تکلیف قانونی، دست کم با دشواری جدی مواجه است. توهین و سایر جرایم گفتاری آیا غیر قابل مشارکت‌اند؟ این تصور که هر جرم گفتاری یا آنی الزاماً غیر قابل مشارکت است، قابل پذیرش نیست. شفاهی بودن رفتار مجرمانه، به‌تنهایی مانع مشارکت نیست. آنچه اهمیت دارد، امکان انطباق رفتار اشخاص با معیار ماده ۱۲۵ است. بنابراین نمی‌توان صرفاً به این دلیل که دو نفر هر یک الفاظی را بر زبان آورده‌اند، گفت مشارکت منتفی است. باید بررسی کرد که آیا رفتار آنان در قالب یک عملیات اجرایی مشترک و با انتساب جرم به عمل همه آنها قابل تحلیل

تأملی بر حدود مشارکت در جرم در ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی

آیا جرم غیر قابل مشارکت وجود دارد؟

است یا خیر. از این رو، توهین را نمی‌توان ذاتاً در زمره جرایم غیر قابل مشارکت قرار داد. این مثال نشان می‌دهد که معیار تشخیص، «نوع ظاهری رفتار» نیست؛ بلکه ساختار قانونی جرم و کیفیت مداخله اشخاص در عملیات اجرایی است.

• مشارکت، معاونت و فاعلیت مستقل: سه عنوان متفاوت

در تحلیل رفتار چند نفر، نباید میان سه مفهوم زیر خلط کرد: الف) مشارکت شخص در عملیات اجرایی جرم دخالت می‌کند و جرم به رفتار او و دیگران مستند است. ب) معاونت شخص، بدون آنکه وارد عملیات اجرایی جرم شود، با یکی از رفتارهای مقرر قانونی، وقوع جرم را تسهیل یا مرتکب اصلی را یاری می‌کند. ج) فاعلیت مستقل هر شخص، مستقلاً رفتاری را انجام می‌دهد که واجد عناصر یک جرم است؛ حتی اگر رفتارها در یک زمان، مکان یا واقعه واحد اتفاق افتاده باشند. این سه عنوان از نظر مبنای مسئولیت کیفری یکسان نیستند و نمی‌توان صرفاً به دلیل تعدد اشخاص، همه آنها را «شریک جرم» نامید. معیار تشخیص جرم غیر قابل مشارکت: با توجه به ماده ۱۲۵ می‌توان معیار نسبتاً دقیقی برای تشخیص ارائه کرد: هرگاه ساختار قانونی جرم به گونه‌ای باشد که بیش از یک شخص نتوانند در عملیات اجرایی همان جرم واحد به نحوی مداخله کنند که جرم به عمل همه آنان مستند باشد، مشارکت در آن جرم به معنای ماده ۱۲۵ قابل تحقق نخواهد بود. این تعریف، از دو افراط جلوگیری می‌کند. از یک سو، نباید هر جرم دارای وصف خاص یا هر جرم شخصی را غیر قابل مشارکت دانست. از سوی دیگر، نباید صرف تعدد اشخاص را دلیل تحقق مشارکت تلقی کرد. بنابراین «غیر قابل مشارکت بودن» باید استثنایی و مستند به ساختار قانونی جرم باشد، نه نتیجه یک برداشت کلی و انتزاعی اهمیت موضوع در شکواییه و کیفرخواست: بحث حاضر صرفاً نظری نیست و آثار عملی مهمی دارد. اگر در شکواییه، قرار جلب به دادرسی یا کیفرخواست، شخصی «شریک جرم» معرفی شود، باید عناصر مشارکت نسبت به او احراز شده باشد. نمی‌توان صرفاً به این استدلال که چند نفر در وقوع حادثه دخالت داشته‌اند، عنوان «مشارکت» را به همه آنان نسبت داد. برای نمونه، اگر رفتار شخصی فاقد مداخله در عملیات اجرایی باشد، ممکن است عنوان صحیح، در صورت وجود شرایط قانونی، معاونت باشد. همچنین اگر هر شخص مستقلاً مرتکب جرم شده باشد، عنوان صحیح ممکن است ارتکاب مستقل جرایم متعدد باشد، نه مشارکت. از این رو، تعیین دقیق نقش کیفری هر متهم، بخشی از توصیف صحیح اتهام است و نمی‌توان آن را امر صرفاً شکلی و کم‌اهمیت تلقی کرد

• نتیجه‌گیری:

پاسخ به پرسش «آیا جرم غیر قابل مشارکت وجود دارد؟» مثبت، اما با قید و احتیاط است. اصل بر این نیست که هر جرمی الزاماً قابل مشارکت است؛ همان‌گونه که صرف وجود چند مرتکب نیز موجب تحقق مشارکت نمی‌شود. ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی، مشارکت را بر پایه مداخله در عملیات اجرایی جرم و استناد جرم به عمل همه شرکا بنا کرده است. بنابراین، در مواردی که ساختار جرم امکان چنین مداخله مشترکی را منتفی می‌کند، نمی‌توان عنوان مشارکت را بر رفتار اشخاص تحمیل کرد. با این حال، جرایم دارای فاعل خاص، صرفاً به دلیل وصف خاص مرتکب، غیر قابل مشارکت نیستند و جرایم گفتاری نیز صرفاً به دلیل گفتاری بودن، از قلمرو مشارکت خارج نمی‌شوند. در جرایم ترک فعل قائم به شخص نیز شخصی که اساساً مکلف به انجام فعل نیست، نمی‌تواند صرفاً به دلیل ترک فعل خود، شریک جرم شخص مکلف تلقی شود؛ هر چند در صورت تحقق شرایط قانونی، امکان معاونت یا سایر اشکال مسئولیت کیفری ممکن است وجود داشته باشد. بنابراین، دقیق‌ترین نتیجه آن است که: «جرم غیر قابل مشارکت» مفهومی استثنایی است که باید از ساختار حقوقی و عناصر تشکیل‌دهنده همان جرم استنتاج شود؛ نه از صرف تعدد مرتکبان، وصف خاص جرم، یا ماهیت شفاهی و آنی رفتار. در نهایت، مهم‌ترین تمایز آن است که: هر جا چند نفر در یک واقعه مجرمانه حضور دارند، الزاماً شریک جرم نیستند؛ ممکن است شرکا، معاونان، فاعلان مستقل یا حتی اشخاص فاقد مسئولیت کیفری باشند. از این رو، تعیین عنوان دقیق نقش هر شخص در ارتکاب جرم، نه تنها برای رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، بلکه برای انطباق صحیح رفتار با ماده ۱۲۵ و جلوگیری از توسعه ناروا و قیاسی مسئولیت کیفری ضروری است.